

پیغمبر اکرم

فبشر عباد الذين يستمعون
القول فيتبعون احسنه، اولئك
الذين هداهم الله واولئك هم
اولوا الالباب .
(قرآن کریم- سوره زمر)

مکتب پارسائی و پرهیز کاری

روز بیست و هفتم ماه رجب ، عید شریف هبعث و روز آغاز نزول وحی بر
پیغمبر اسلام است .

روزی است که آن مرد بزرگ و سفیر الهی ماوریت یافت که جامعه بشری را
ازادی تاریک نادانی و خودسردی رهائی بخشیده بفضای نورانی دانش و حکمت
برساند .

مبعوث شد تا مردمان را از بندگی شیطان آزاد ساخته به بندگی خداوند جهان
دعوت نموده و از پرستش بتها به پرستش آفریدگار زمین و آسمان بخواند .
بر آنکیخته شد تا آیات و فرامین الهی را بمردمان رسانده و دل و جان آدمیان
را از سرچشمه علم و حکمت سیراب ساخته و آنان را از گمراهی و سرگردانی نجات
داده بشاها را زندگی انسانی راهنمایی نماید .

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یرزقهم
و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین ، (قرآن
کریم- سوره جمعه) .

هدف اعلا

اساس دعوت پیغمبران خدا و مکتبهای وحی ، خصوصاً دانشگاه عالی اسلام ، بر کامل ساختن عقول ، و راهنمایی افکار ، و تهذیب اخلاق ، و پاکیزه ساختن گفتار و کردار انسانها می باشد .

پیغمبر اسلام ، هدف مقدس و اعلاى خود را در این جمله معروف و منسوب با و خلاصه نموده است : **«بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»** : برانگیزخته شدم (و ما وریت یافتم) تا اخلاق فاضله انسانی را کامل نمایم .

برنامه عملی اسلام ، بر پایه هائی مانند : نماز ، روزه ، زکوة ، حج و پیروی از مردان تقوی و فضیلت استوار گردیده و علاوه بر مقدار واجب روزانه و ماهانه و سالانه این عبادات ، بعنوان مستحب و نافله نیز پیوسته با آنها ترغیب شده و پیشوایان اولیه و شاگردان با فضیلت مکتب اسلام عملاً به آنها بر از علاقه نموده و اینگونه اعمال و عبادات را برای صفای روح و نزدیکی بخداوند متعال بر خود لازم میدانستند .

جهاد اکبر !

اسلام ، بزرگترین دشمن خانمانسوز بشر را همان هوای نفس و خواهش دل او قرار داده و جنگ و ستیز با این دشمن بزرگ داخلی را **جهاد اکبر** خوانده و کسی را که بر هوای نفس خود غالب آید مرد تمام عیار و شجاع ترین شجاعان شناخته است .

ریاضت و مخالفت با نفس در اسلام چنین نیست که مانند مرتاضین هند ، تن را با اعمال شاقه و ادا داشته و یا بکللی ترک خواب و خوراک و آسایش نموده و اعمال سفیهانه انجام دهند .

اسلام ، بزرگترین عامل تربیت و صفای روح و کمال نفس آدمی را ترک افراط و زیاده روی در شهوات ؛ و بی بندوباری در تمایلات نفسانی ، و تعدیل نیروها و غرایز حیوانی و جسمانی قرار داده است .

کارشکنی و اشتباه !

ولی متأسفانه در هر عصر و زمان مواجه گردیده با مخالفت و کارشکنی جمعی

هوی پرستان و شهوت رانان که از گوهر شریف انسانیّت غفلت داشته و آزادیمت جز خواب و خور و شهوت چیزی درك ننموده و كمال و بیکبختی خود را در آنها جستجو نموده اند و بخصوص در این عصر که مادیّت و شهوات و لذایذ نفسانی و غرایز حیوانی جلوهٔ بیشتری نموده و چشم و دل مردمان را خیره ساخته و آنان را از فضایل انسانی و کمالات معنوی محروم داشته است ، تکاپوی ماده پرستان و شهوت رانان شدید تر شده است .

روی این اشتباه بزرگ و تشخیص غلط که دامنگیر جامعهٔ امروز بشری شده و بنیاد زندگی و کاخ سعادت خود را بر اصول مادیگری و هوس رانی و تقویت غرایز حیوانی و تحریک شهوات جسمانی پی ریزی نموده است ، مشاهده میشود که بر نامهٔ تربیتی خود را از اوان کودکی تا دوران جوانی بلکه تا روزگار پیری بر این پایه تنظیم نموده و در نتیجه ، همه فضایل انسانی و کمالات روحی را از دست داده و بجای عواطف و معنویات ، خودخواهی ها و لذایذ مادی را قرار داده اند . و از نمرات این تجارت زیان بخش اینکه : مظاهر فساد از جنایات و خیانات و ستیزها و جدالها و آدم کشیها و دزدیها و بی عفتیها بطور روز افزون رو با افزایش بوده و امنیت از همهٔ شئون مالی و حقوقی و ناموسی و اخلاقی جامعهٔ بشر سلب شده است .

سقوط قطعی

نسل جوان بلکه کودکان و نوجوانان امروز در يك بحران عجیب و عمیقی گرفتار شده اند ، که اگر فکری بحال آنان نشده و از این وادی هولناک رهائی نیابند ، سقوط و تباهی آنان قطعی بوده و فاتحهٔ بشریت و انسانیّت را باید خواند . نسل امروز همهٔ قیود و حدود را بهم زده و خود را از همه شرایط و مقررات آزاد دانسته و يك بی بند و باری عجیبی را بنام تمدن و آزادی اختیار نموده است .

بشر امروز در يك آتشیهای خود افروخته ، آتش شهوت ، آتش عشق ، آتش هوی و هوس میسوزد ، و مریدان و راهنمایان اجتماع هم بجای این که این آتشارا که از نهاد بشر زبانه کشیده است فرو نشانند ، بیشتر آن را

دامن زده و شمله ور میسازند .

گفتاری جالب:

یکنفر دکتر تحصیل کرده و بافهم مینویسد: (۱)

« آتش بیاران معرکه ؛ در نقش رهبران نسل جوان »

... امروز در سراسر جهان خطرات بسیار جوانان را تهدید میکند. از یکسوی جهان و آنجا کدمهد آزدایش می نامیم و برآستی جایگاه آزادی پول سازها است، حرکتی عظیم برای تحریک کود کانه ترین هوسها و حیوانی-ترین امیال پدید آمده است ، بر اساس این تحریکات دامپهایی میگذرند که از جانب اداره کنندگان آن هیچ مقصودی جز جلب سود در میان نیست از سوی دیگر جهان ، نیز دستگاههای فعال تبلیغاتی در کارند تا جوانان را با عامل بی اراده ای برای تعقیب مقاصد خود تبدیل نمایند این دو موج عظیم آثار خود را در سراسر جهان پراکنده است و خواه نا خواه میهن ما نیز از مسیر این خطرات دور نیست و هم اکنون نیز آثاری از نفوذ این خطرات دیده میشود که نمودارهای روز افزونی دارد .

آیا باید نسل جوان را در برابر این خطرات تنها و بی دفاع گذاشت و وقتی که افرادی آلودگی پیدا کردند چماق برداشت و بعنوان آنکه فریب خورده اند و منحرف شده اند به سراغشان رفت و بر سرشان کوبید ؟ ، یا باید قیلا فکری کرد و در راه رشد فکری و پرورش صحیح آنان کوشید؟

مصیبت بزرگی است که بعضی از حر کتهائی که عاملین آن مدعی اصلاح طلبی و حل مسئله میباشند ، درست در جهتی صورت میگیرد که سبب دامن زدن بر آتش می باشد .

اخیراً بسیاری از مجلات بمسأله جوانان توجه کرده اند ، مسأله ای طرح میکنند: آیا (بوی فرند) خوب است یا بد؟ آیا شبها باید به پارتنی رفت یا نه ؟ ،

آیا ...

باید دانست که اینگونه دلسوزیها هرگز راه حل مسئله نیست ، بلکه دامن-

زدن با تشاست باید با کمال تأسف اقرار کرد که زهر هر وئین راهیچکس تا این حد شایع نکرد، مگر کسا نیکه در باره مضرات آن مقاله نوشتند و در ضمن، نشانی هر اکثر پخش آن را در اختیار هر دم گذاشتند و یاد در باره آن فیلم تهیه کردند تا ضمناً طرز استعمال آن را تعلیم دهند .

وقتی انحراف جوانان با نجا رسید که صدها صدف نر از آن بزرگ زمینها پناه بردند و شب را تصبیح پسر گرمیهای مدرن مشغول شدند ، دیگر بیفایده است که کسی بآن زیر زمین برود و با آنان بحث کند .

وقتی کار با نجا رسید که بحث در لزوم یا عدم لزوم «پارتی» و «بوی فرند» بسورت مسئله روز درآمد خود نشانه آن است که طرز فکری که نمیخواسته ایم پر جامعه حاکم شده است ...

پس باید پرسید آیا زمان آن نرسیده است که دیگر بر آتش اینگونه مسائل مبتذل دامن نزیم ؟ آیا زمان آن نرسیده است که **جوانان** را در برابر مسئولیتهای اجتماعی و ملی آنان قرار دهیم ، و مسائل تازه ای را مطرح کنیم که جاذبه آن بتواند بر این جو مبتذل فایق آید ؟ ، آیا ... آیا ...

اعتقاد آنست که عملانخواستہ اند جوانان راه ییداری پیش گیرند . ایمان ما آنست که تعلیمات دقیق و پرورش صحیح را از نسل جوان دریغ کرده اند . میایونها تومان بوسیله دستگاہهای تبلیغاتی با مواج تبدیل میشود سرمایه های عظیم در راه سیاه کردن کاغذ بکار میافتد ، ولی هرگز نخواستہ اند که این همه وسیله را در راه بسیج نسل جوان بکار برند ...

* * *

ما جمله هائی از این گفتار مفصل را در اینجا نقل کردیم ، تا بدانید که نه تنها تیپ با اصطلاح متدین یا متعصب دردین ، این روش ناهنجار مطبوعات را نکوش نموده و آنان را در فساد و تباهی اخلاق و ایمان جوانان سهیم میدانند ، بلکه همه افراد با فهم و ادراک از هر طبقه و هر دسته که باشند اگر اندکی انصاف داشته و بتوانند خود را از این آلودگی محیط و فضای آلوده امروز بیرون بکشند ، خواه ناخواه از این همه خرابکاری و زیان بخشی و این اندازه سود پرستی و بی بندوباری که

دسته‌ای از مطبوعات امروز پیش گرفته‌اند رنج برده و ناراحت شده و بی اختیار آن رانکوهش نموده و حقیقت را هر چند تلخ باشد بزبان و قلم جاری میکنند . مگر تا چه اندازه میشود دیده‌ها را نادیده و شنیده‌ها را ناشنیده انگاشت و مگر چقدر ممکن است خرابکاری‌ها را دید و از آن صرف نظر کرد ، دندان روی چگر گذاشت و دم فرو بست .

شمارا بخدا ببینید ، هر جا سخنی از نسل جوان بمیان آمده و یا صفحه‌ای بنام آن باز میشود ، هر نشریه‌ای بنام جوانان منتشر گردیده و یا مسئله‌ای در پیرامون زندگی آنان طرح میشود ، منحصر است بمسائلی مبتذل در اطراف رقص و مدلباس و زیبایی اندام ، زندگی هنر پیشه‌ها و سینما و پارتنی و مسائل جنسی ، داستانهای عشقی و جنائی و شهوت انگیز و . . که از راه سمع و بصرو نوشته‌های مسموم و مناظر زهر آگین ، این طبقه شریف و با ارزش و بی پناه را بپرتگاه بدبختی و سقوط سوق میدهند . دخترها و پسرهای موصوم و مظلوم این کشور مسلمان را ناخود آگاه بسوی منجلاب شهوات و پستی‌های حیوانی کشانده و از تحصیل دانش و کمال و فضایل انسانی باز میدارند .

اگر درس بجوانان میدهند درس عشق و رقص و شهوت و بی بندوباری است ! اگر عکس از آنها منتشر میکنند ، عکسهای لخت و عریان دختران و پسران در دامان یکدیگر است ! . *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* اگر محفلی برای آنها ترتیب می دهند ، بارها و کاباره‌ها ؛ کافه‌ها و کلوبهای آنچنانی است که نه تنها جیب جوانان را در آنها خالی نموده و غارت میکنند ، بلکه عقل و دین و شرف و فضیلت آنان را بتاراج برده شخصیت آنان را لجن مال میکنند .

مشروبات الکلی در آنها سبیل و قمار و رقص و دانس و ... در آنها بی حساب ! .

اگر مهمانی برای آنها از خارج کشور دعوت میکنند ، فلان هنر پیشه یا فلان خواننده بوده و مسابقه تشکیل میدهند که هواخواهان آنها بیشتر شده و در راه دیدار آنها سرودست شکسته و هزاران دختر و پسر با استقبال آنها بروند .

اگر تفریح گاهی برای آنان فراهم می‌آوردند آنچنان تفریحگاههای سالم ۱۱ در زیر زمینها بنام «پارتی و مایوپارتی و ...» میباشد که قلم و زبان را از تشریح آنها شرم می‌آید .

شمارا بخدا، آیا اینها دامن زدن بآتش شهوات و کمک بسوزاندن پروبال جوانان نیست ؟ ، اینها جنایت و ستم بتسل جوان این کشور و خیانت باین آب و خاک نیست ؟

آن دختران محصلی که ۷۴۰ نفر آنها هر کدام ۲۰۰ ریال روی هم گذاشته و مبلغ ۱۴۴۰۰۰ ریال فراهم میکنند برای اینکه فلان هنرپیشه هندی را بایران دعوت کنند ، آیا در سر کلاس توجهی بدرس داشته و یاپس از فراغت از تحصیل تن بزحمت مادری و خانه داری و تربیت فرزند میدهند؟

این یادآوریهای تلخ و ناگوار و اظهار دردهای متأثر کننده و جانکاه را بگذاریم و بگذریم و در پایان نیز نظری بمکتب عالی اسلام افکنیم .

اسلام ، خوب میدانند و خوب درك کرده است که آتش هوی و هوس ، آتش عشق و آرزو، که در درون جان بشر مشتعل است اگر مهار نکرده ، اگر کنترل نشود ، نه تنها صاحبش را میسوزاند ، بلکه جامعه و جهانی را بآتش میکشد ، لذا پیوسته پیروان و شاگردان مکتب خود را امر به پرهیز کاری و پارسائی و ترک شهوات و مبارزه با هوسها و خواهشهای نفس نموده و دستورهائی داده است که با اجراء آنها ، آن آتش همهار شده و در راه رشد و کمال ، ترقی و تعالی ، پرواز بمقامات شامخ انسانی از آنها استفاده شود .

ابوالقاسم دانش شستانی

کتابخانه مسجد اعظم

